

تفسير انوار القرآن

نوشته:

عبدالرؤوف مخلص

فهرست سوره‌ها^۱

اسم سوره	نزول	ترتیب مصحف	شماره صفحه	تعداد آیات	ترتیب نزول
فاتحه	مکیه	۱	۲	۷	۵
بقره	مدنی	۲	۱۱	۲۸۶	۸۷
آل عمران	مدنی	۳	۲۸۸	۲۰۰	۸۹
نساء	مدنی	۴	۴۲۷	۱۷۶	۹۲
مائده	مدنی	۵	۵۸۲	۱۲۰	۱۱۲
انعام	مکی	۶	۶۹۴	۱۶۵	۵۵
أعراف	مکی	۷	۸۰۵	۲۰۶	۳۹
انفال	مدنی	۸	۹۲۷	۷۵	۸۸
توبه	مدنی	۹	۹۷۷	۱۲۹	۱۱۳
یونس	مکی	۱۰	۱۰۷۲	۱۰۹	۵۱
هود	مکی	۱۱	۱۱۳۹	۱۲۳	۵۲
یوسف	مکی	۱۲	۱۲۰۸	۱۱۱	۵۳
رعد	مدنی	۱۳	۱۲۷۱	۴۳	۹۶
ابراهیم	مکی	۱۴	۱۳۰۸	۵۲	۷۲
حجر	مکی	۱۵	۱۳۳۸	۹۹	۵۴
نحل	مکی	۱۶	۱۳۷۰	۱۲۸	۷۰
اسراء	مکی	۱۷	۱۴۴۱	۱۱۱	۵۰
کهف	مکی	۱۸	۱۵۰۸	۱۱۰	۶۹
مریم	مکی	۱۹	۱۵۶۷	۹۸	۴۴

^۱ برای مطالعه سوره مورد نظر بر روی نام سوره کلیک کنید.

اسم سوره	نزول	ترتيب مصحف	شماره صفحه	تعداد آيات	ترتيب نزول
طه	مکی	۲۰	۱۶۰۶	۱۳۵	۴۵
أنبياء	مکی	۲۱	۱۶۶۴	۱۱۲	۷۳
حج	مدنی	۲۲	۱۷۱۶	۷۸	۱۰۳
مومنون	مکی	۲۳	۱۷۶۴	۱۱۸	۷۴
نور	مدنی	۲۴	۱۸۰۸	۶۴	۱۰۲
فرقان	مکی	۲۵	۱۸۶۳	۷۷	۴۲
شعراء	مکی	۲۶	۱۹۰۱	۲۲۷	۴۷
نمل	مکی	۲۷	۱۹۶۰	۹۳	۴۸
قصص	مکی	۲۸	۲۰۰۵	۸۸	۴۹
عنكبوت	مکی	۲۹	۲۰۵۴	۶۹	۸۵
روم	مکی	۳۰	۲۰۹۲	۶۰	۸۴
لقمان	مکی	۳۱	۲۱۲۴	۳۴	۵۷
سجده	مکی	۳۲	۲۱۴۷	۳۰	۷۵
احزاب	مدنی	۳۳	۲۱۶۳	۷۳	۹۰
سباء	مکی	۳۴	۲۲۲۹	۵۴	۵۸
فاطر	مکی	۳۵	۲۲۶۳	۴۵	۴۳
يس	مکی	۳۶	۲۲۹۲	۸۳	۴۱
صافات	مکی	۳۷	۲۳۲۵	۱۸۲	۵۶
ص	مکی	۳۸	۲۳۷۱	۸۸	۳۸
زمر	مکی	۳۹	۲۴۰۴	۷۵	۵۹
غافر	مکی	۴۰	۲۴۵۲	۸۵	۶۰
فصلت	مکی	۴۱	۲۴۹۵	۵۴	۶۱
شوری	مکی	۴۲	۲۵۳۱	۵۳	۶۲
زخرف	مکی	۴۳	۲۵۷۱	۸۹	۶۳

اسم سوره	نزول	ترتيب مصحف	شماره صفحه	تعداد آيات	ترتيب نزول
دخان	مکی	۴۴	۲۶۰۹	۵۹	۶۴
جاثیه	مکی	۴۵	۲۶۲۸	۳۷	۶۵
احقاف	مکی	۴۶	۲۶۴۸	۳۵	۶۶
محمد	مدنی	۴۷	۲۶۷۵	۳۸	۹۵
فتح	مدنی	۴۸	۲۶۹۹	۲۹	۱۱۱
حجرات	مدنی	۴۹	۲۷۲۶	۱۸	۱۰۶
ق	مکی	۵۰	۲۷۵۲	۴۵	۳۴
ذاریات	مکی	۵۱	۲۷۷۲	۶۰	۶۷
طور	مکی	۵۲	۲۷۹۳	۴۹	۷۶
نجم	مکی	۵۳	۲۸۱۰	۶۲	۲۳
قمر	مکی	۵۴	۲۸۳۷	۵۵	۳۷
رحمن	مدنی	۵۵	۲۸۵۷	۷۸	۹۷
واقعه	مکی	۵۶	۲۸۸۳	۹۶	۴۶
حدید	مدنی	۵۷	۲۹۰۸	۲۹	۹۴
مجادله	مدنی	۵۸	۲۹۳۴	۲۲	۱۰۵
حشر	مدنی	۵۹	۲۹۵۷	۲۴	۱۰۱
ممتحنه	مدنی	۶۰	۲۹۸۱	۱۳	۹۱
صف	مدنی	۶۱	۲۹۹۸	۱۴	۱۰۹
جمعه	مدنی	۶۲	۳۰۰۷	۱۱	۱۱۰
منافقون	مدنی	۶۳	۳۰۲۱	۱۱	۱۰۴
تغابن	مدنی	۶۴	۳۰۲۹	۱۸	۱۰۸
طلاق	مدنی	۶۵	۳۰۴۰	۱۲	۹۹
تحریم	مدنی	۶۶	۳۰۵۲	۱۲	۱۰۷
ملک	مکی	۶۷	۳۰۶۳	۳۰	۷۷

اسم سوره	نزول	ترتيب مصحف	شماره صفحه	تعداد آيات	ترتيب نزول
قلم	مکی	۶۸	۳۰۸۱	۵۲	۲
الحاقه	مکی	۶۹	۳۱۰۰	۵۲	۷۸
معارج	مکی	۷۰	۳۱۱۶	۴۴	۷۹
نوح	مکی	۷۱	۳۱۲۸	۲۲	۷۱
جن	مکی	۷۲	۳۱۴۰	۲۸	۴۰
مزمّل	مکی	۷۳	۳۱۵۵	۲۰	۳
مدثر	مکی	۷۴	۳۱۶۷	۵۶	۴
قیامت	مکی	۷۵	۳۱۸۴	۴۰	۳۱
انسان	مدنی	۷۶	۳۱۹۸	۳۱	۹۸
مرسلات	مکی	۷۷	۳۲۱۲	۵۰	۳۳
نبأ	مکی	۷۸	۳۲۲۴	۴۰	۸۰
نازعات	مکی	۷۹	۳۲۳۶	۴۶	۸۱
عبس	مکی	۸۰	۳۲۴۸	۴۲	۲۴
تکویر	مکی	۸۱	۳۲۵۹	۲۹	۷
انفطار	مکی	۸۲	۳۲۶۸	۱۹	۸۲
مطففین	مکی	۸۳	۳۲۷۵	۳۶	۸۶
انشقاق	مکی	۸۴	۳۲۸۷	۲۵	۸۳
بروج	مکی	۸۵	۳۲۹۴	۲۲	۲۷
طارق	مکی	۸۶	۳۳۰۲	۱۷	۳۶
اعلی	مکی	۸۷	۳۳۰۸	۱۹	۸
غاشیه	مکی	۸۸	۳۳۱۵	۲۶	۶۸
فجر	مکی	۸۹	۳۳۲۲	۳۰	۱۰
بلد	مکی	۹۰	۳۳۳۲	۲۰	۳۵
شمس	مکی	۹۱	۳۳۳۸	۱۵	۲۶

اسم سوره	نزول	ترتیب مصحف	شماره صفحه	تعداد آیات	ترتیب نزول
لیل	مکی	۹۲	۳۳۴۳	۲۱	۹
ضحی	مکی	۹۳	۳۳۴۹	۱۱	۱۱
شرح یا انشراح	مکی	۹۴	۳۳۵۵	۸	۱۲
تین	مکی	۹۵	۳۳۵۹	۸	۲۸
علق	مکی	۹۶	۳۳۶۵	۱۹	۱
قدر	مکی	۹۷	۳۳۷۴	۵	۲۵
بینہ	مدنی	۹۸	۳۳۷۷	۸	۱۰۰
زلزلہ	مدنی	۹۹	۳۳۸۲	۸	۹۳
عادیات	مکی	۱۰۰	۳۳۸۷	۱۱	۱۴
قارعہ	مکی	۱۰۱	۳۳۹۱	۱۱	۳۰
تکاثیر	مکی	۱۰۲	۳۳۹۴	۸	۱۶
عصر	مکی	۱۰۳	۳۴۰۰	۳	۱۳
ہُمَزہ	مکی	۱۰۴	۳۴۰۳	۹	۳۲
فیل	مکی	۱۰۵	۳۴۰۶	۵	۱۹
قریش	مکی	۱۰۶	۳۴۱۱	۴	۲۹
ماعون	مکی	۱۰۷	۳۴۱۴	۷	۱۷
کوثر	مکی	۱۰۸	۳۴۱۸	۳	۱۵
کافرون	مکی	۱۰۹	۳۴۲۱	۶	۱۸
نصر	مدنی	۱۱۰	۳۴۲۴	۳	۱۱۴
مسد	مکی	۱۱۱	۳۴۲۸	۵	۶
اخلاص	مکی	۱۱۲	۳۴۳۲	۴	۲۲
فلق	مکی	۱۱۳	۳۴۳۶	۵	۲۰
ناس	مکی	۱۱۴	۳۴۴۱	۶	۲۱

مقدمه

عقیده‌ی اهل سنت و جماعت درباره‌ی اسماء و صفات خداوند

یکی از لازمه‌های ایمان به خداوند، ایمان به اسماء و صفات باری تعالی می‌باشد، ایمان به اینکه خداوند رحمان، رحیم، قوی، عزیز است. و باید متذکر شد که اسماء و صفات خداوند توقیفی هستند، یعنی هر اسم و وصفی که برای ذات باری تعالی در قرآن و سنت صحیح آمده است قابل استدلال است.

و باید دانست خداوند سبحان شبیه و مانند هیچ یک از مخلوقاتش نیست، می‌فرماید: لیس کمثله شیء وهو السميع البصیر. در اینجا با وجود اثبات صفت شنیدن و دیدن برای خود، هرگونه تشبیه و همانندی را از خود نفی می‌کند.

و همچنین در سایر اسماء و صفات وارده باید به آنها ایمان داشت و از هر گونه تأویل و تحریف و تشبیه خودداری نمود.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (الأعراف: ۱۸۰). (یعنی خداوند اسمهای زیبایی دارد، شما با ذکر آن اسمها خداوند را در دعاهایتان فرا خوانید، و کسانی را که در اسمهای خداوند دچار الحاد شدند رها کنید، به زودی خداوند آنها را به سزای اعمالشان می‌رساند).

از جمله صفاتی که زیاد در قرآن و سنت آمده صفت دست می‌باشد، مانند: ﴿يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ﴾ (الفتح: ۱۰)، ﴿وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ﴾ (المائدة: ۶۴)، ﴿قَالَ يَإِيلَيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتَ بِيدِي﴾ (ص: ۷۵)، که در این صفات باید باور داشت که خداوند دارای دست است ولی به هیچ وجه این دست مانند دست مخلوقان نیست، و حتی نباید در ذهن تصور چنین دستی را برای خداوند سبحان کرد. و همچنین نباید آن را به قدرت یا چیزهای دیگری تأویل کرد، زیرا اگر خداوند می‌خواست چنین کلمه‌ای را به کار ببرد هیچ مانعی وجود نداشت و می‌فرمودند: قدرت خداوند بالای همه قدرتهاست.

و همچنین دیگر صفات خداوند، که تمامی این صفات را به گونه‌ای برای خداوند ثابت می‌کنیم که از هر گونه همانندی با مخلوقانش به دور است.

﴿سوره فاتحه﴾

مکی است، و دارای (۷) آیه است.

وجه تسمیه: با توجه به این که فاتحه به معنای آغاز هرچیز است، این سوره را نیز «فاتحه الكتاب» نامیدند زیرا قرآن با آن افتتاح شده است، از طرفی این اولین سوره از مصحف شریف است که کاتبان قرآن آن را می‌نویسند و اولین سوره از کتاب مجید الهی است که خواننده آن را تلاوت می‌کند؛ هر چند از نظر ترتیب نزول آیات، این سوره اولین آیات نازل شده قرآن نیست.

سوره فاتحه دوازده نام دارد که مشهورترین آنها سه نام زیر است: «فاتحه الكتاب»، «أم الكتاب» و «سبع المثانی»^۱. از دیگر نامهای مشهور آن «حمد»، «صلاة» و «واقیه»^۲ می‌باشد.

فضیلت آن: در فضیلت این سوره احادیثی روایت شده است، از آن جمله حدیث شریف ذیل به روایت بخاری و احمد از ابی سعید بن المعلی رضی الله عنه است که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمودند: «بدان، قبل از آن که از مسجد خارج شوی، تو را از بزرگترین سوره قرآن آگاه خواهم ساخت ابوسعید می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دستم را گرفتند و همین که خواستند از مسجد خارج شوند، گفتم: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! مگر شما نگفتید که تو را از بزرگترین سوره قرآن آگاه خواهم ساخت؟ فرمودند: آری بزرگترین سوره قرآن: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ است؛ این همان سبع المثانی (هفت آیت تکرارشونده) و قرآن عظیمی است که به من داده شده است». همچنین در حدیث شریف به روایت مسلم در صحیحش و نسائی در سننش از ابن عباس رضی الله عنه، آمده است که فرمود: «جبرئیل علیه السلام نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بود که بناگاه آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم از بالای سرخویش صدایی را شنیدند. جبرئیل علیه السلام نگاهش را به سوی آسمان دوخت و گفت: این دری است که هم‌اکنون در آسمان گشوده شد و قبل از این هرگز گشوده نشده بود.

۱ یعنی: هفت آیه ای که قرائت آنها در نمازها تکرار می‌شود.

۲ یعنی: نگاه دارنده.

راوی ادامه می‌دهد: سپس، از آن درفرشته‌ای نزد رسول خدا ﷺ فرود آمد و گفت: «أبشر بنورين قد أوتيتهما لم يؤتهما نبي قبلك: فاتحة الكتاب وخواتيم سورة البقرة، لن تقرأ حرفاً منهما إلا أوتيته».

«مژده باد تو را به دو نوری که برایت داده شده و قبل از تو به هیچ پیامبری داده نشده است؛ [آنها عبارتند از] فاتحه الكتاب و آیات پایانی سوره بقره. [این را بدان که] هرگز هیچ حرفی از آنها را قرائت نمی‌کنی، مگر آن که همان را داده می‌شوی». سوره فاتحه متضمن معانی قرآن کریم، مشتمل بر اصول و فروع دین، دربردارنده اصول عقیده و عبادت و شریعت، راهنمایی به سوی درخواست هدایت از رب العالمین و در خواست برکنار ماندن از راه منحرفان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده است که فرمود: «رسول خدا ﷺ نمی‌دانستند که چگونه میان سوره‌ها فاصله قرار داده و آنها را از هم جدا کنند تا آن که: بسم الله الرحمن الرحيم بر ایشان نازل شد». در حدیث شریف آمده است: «كل أمر ذي بال لم يبدأ بسم الله فهو أبتى: هرکار مهمی که به نام خدای عزوجل آغاز نشود، آن کار ابتر [بی‌خیر و برکت] است». همچنین صحابه رضی الله عنهم تلاوت کتاب خدا عزوجل را با: (بسم الله الرحمن الرحيم) آغاز می‌کردند، لذا تلاوت آن در آغاز هرسخن و عمل نیکی، مستحب است. خواندن آن در آغاز وضوء نیز مستحب می‌باشد زیرا در حدیث شریف آمده است: «برای کسی که نام خداوند عزوجل را بر وضوء نبرد، وضوئی نیست». همچنین خواندن آن در هنگام ذبح - نزد امام شافعی - مستحب است، ولی ائمه دیگر آنرا واجب شمرده‌اند. در هنگام غذا خوردن نیز خواندن آن مستحب است زیرا در حدیث شریف آمده است: «قل بسم الله وكل بيمينك وكل مما يليك: وقتی می‌خواهی غذا بخوری، در آغاز آن بسم الله بگو، آن‌گاه با دست راستت بخور و از آنچه در جلوی تو است بخور». چنان‌که خواندن آن در هنگام مقاربت جنسی نیز مستحب می‌باشد زیرا در حدیث شریف آمده است:

«لو أن أحدكم إذا أراد أن يأتي أهله قال: بسم الله، اللهم جنبنا الشيطان وجنب الشيطان ما رزقتنا، فإنه إن يقدر بينهما ولد لم يضره الشيطان أبدا».

«اگر یکی از شما آن گاه که می خواهد با همسرش همبستر شود، بگوید: به نام خدا، بار خدایا! ما را از شیطان دور بدار و شیطان را از آنچه روزی مان نموده ای (از فرزند) بر کنار بدار؛ در این صورت اگر در میان آن دو فرزندی مقدر شود، شیطان هرگز نمی تواند به او آسیبی برساند».

«به نام الله بسیار بخشاینده و بسیار مهربان» الله: یعنی معبود بر حق؛ نام مقدس ذات خداوند ﷻ است که بر غیر وی اطلاق نگردیده. اصل آن «اله» است که بر هر معبودی - به حق یا به باطل - اطلاق می گردید و سرانجام اطلاق آن بر معبود برحق غالب گشت. به قولی: «الله» اسم اعظم الهی است زیرا به تمام صفات قدسی موصوف می شود؛ چنان که خداوند متعال فرموده است:

﴿هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾

«الله کسی است که معبودی جز او نیست، دانای نهان و آشکار است، رحمان و رحیم است...» [حشر / ۲۲ — ۲۴].

ملاحظه می کنیم که در این دو آیه، تمام اسماء دیگر، صفات «الله» قرار گرفته اند. و از آنجا که جز خدای تبارک و تعالی کسی دیگر به نام «الله» نامیده نشده، لذا طبق قاعده برای «الله» در سخن عرب اشتقاقی سراغ نداریم بنابراین، اسم الله «جامد» است نه «مشتق» و این رأی اکثر اصولیان و فقها می باشد.

«رحمن» و «رحیم»، دو اسم مشتق از رحمت - بر وجه مبالغه - اند، البته مبالغه «رحمان» از «رحیم» در معنای رحمت بیشتر است. چنان که ابن جریر طبری در تفسیر آنها می گوید: «خداوند متعال بر تمام خلق رحمان و به مؤمنان رحیم است». اسم «رحمن» نیز ویژه خداوند متعال می باشد که دیگران نباید بدان نامیده شوند.

بنابراین، معنای اجمالی «بسم الله الرحمن الرحيم» این است: قبل از هر چیز، به نام خدای عزوجل و به یاد و تسبیح او آغاز می کنم در حالی که از او در تمام امور خویش یاری می جویم زیرا او پروردگار و معبود برحق است که رحمتش بر همه چیز گسترده

است، نعمت دهنده نعمتهای بزرگ و کوچک تنها اوست و تنها بخشش و مهربانی و احسان اوست که فراوان، مدام و مستمر است.

حکم آن: مالکی‌ها و حنفی‌ها برآنند که: «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای از سوره فاتحه و سایر سوره‌ها نیست، بلکه تنها آغازگر سوره‌هاست که فقط برای قراردادن فاصله میان سوره‌ها در ابتدای آنها نوشته شده است. اما شافعی‌ها و حنبلی‌ها برآنند که: «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای از سوره فاتحه است، لذا خواندن آن در نماز واجب می‌باشد. از اختلاف فقهی یادشده که بگذریم، اُمت اسلام اتفاق نظر دارند بر این که: «بسم الله الرحمن الرحيم» بخشی از یک آیه در سوره «نمل» است:

﴿إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

«این نامه‌ای از جانب سلیمان است و این نامه به نام خداوند بخشایشگر مهربان است.» [نمل / ۳۰].

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

«جمله ستایش‌ها شایسته خداوند است» حمد: ثنا و سپاس زبانی است که جهت تفصیل و برتری دادن گفته می‌شود. فرق در میان «حمد» و «شکر» یکی در این است که حمد فقط به زبان است، اما شکر هم به زبان، هم به قلب و هم به سایر اعضا می‌باشد. دیگر این که شکر فقط در برابر نعمت است، ولی حمد به جهت کمال محمود می‌باشد؛ هر چند در برابر نعمتی نباشد. و از آنجا که هیچ موجودی در ذات، صفات و اسماء از خدای عزوجل کاملتر نیست و هیچ نعمتی نیست مگر این که مستقیماً یا به واسطه، به آن ذات متعال برتر برمی‌گردد، پس در حقیقت تمامی حمدها و شکرها سزاوار اوست و تنها او مالک هر حمد و شکری است. در حدیث شریف آمده است: «أَفْضَلُ الذِّكْرِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَفْضَلُ الدُّعَاءِ الْحَمْدُ لِلَّهِ: بهترین ذکرها لا اله الا الله و بهترین دعاها الحمد لله است». آری همه ستایشها از آن خداوندی است: «که رب عالمیان است» رب: به معنی پروردگار، مالک، سرور، سالار، مصلح، مدبر و معبود؛ اسمی از اسمای خداوند متعال است و برغیروی - جز با قید و اضافت - اطلاق

نمی‌شود؛ مثل این که بگویی: «هذا الرجل رب المنزل: این مرد رب (صاحب) منزل است». «عالمین» جمع عالم؛ عبارت از هر موجودی غیر از خداوند متعال است. بعضی برآنند که عالم مجموعه موجودات عاقل است که شامل چهار نوع انس، جن، فرشتگان و شیاطین می‌شوند. بر اساس این تعریف؛ به حیوانات و چهارپایان، عالم گفته نمی‌شود.

الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ﴿٥﴾

«بسیار بخشنده و بسیار مهربان است» تفسیر این آیه در توضیح معنای: «بسم الله الرحمن الرحيم» بیان شد. و از آنجا که در اتصاف خداوند متعال به ﴿رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ معنای تخویف و هیبت وجود داشت، پروردگار مهربان، آن آیه را به: ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ که متضمن ترغیب و تشویق است، متصل ساخت تا به این ترتیب، در بیان صفات خویش، معنای بیم و هراس را با رغبت و امید همراه و یک‌جا گرداند زیرا این دو معنی در کنار یک‌دیگر، انگیزه بهتری برای بندگان در اطاعت و فرمانبرداری از او پدید می‌آورند.

مَلِكٍ يَوْمَ الدِّينِ ﴿٦﴾

«مالک روز جزاست» در قرائت دیگری، «ملک» نیز خوانده شده و هر دو قرائت: «ملک و مالک» صحیح و متواترند. اما بعضی گفته‌اند: «ملک» عامتر و بلیغ‌تر از «مالک» است زیرا فرمان ملک بر مالک در ملک وی نافذ می‌باشد و او نمی‌تواند جز با نظر و رأی ملک در ملک خویش تصرف کند. برخی دیگر گفته‌اند که: «مالک» بلیغ‌تر است زیرا خداوند متعال مالک مردم و همه جهانیان می‌باشد. ولی صحیح‌تر این است که تفاوت در میان دو صفت نسبت به پروردگار سبحان این است که: ملک وصفی برای ذات او تعالی است، درحالی‌که مالک وصفی برای فعل او می‌باشد.

یوم الدین: روز محاسبه و جزاست از سوی پروردگار سبحان برای بندگان. قتاده می‌گوید: «یوم الدین: روزی است که خداوند جل و علا در آن بندگان خویش را در برابر

اعمالشان کیفر یا پاداش می‌دهد». ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: «یوم‌الدین: روز حساب خلاق است که پروردگار متعال آنان را در برابر اعمالشان جزا می‌دهد؛ اگر اعمالشان خیر بود، پاداش خیر و اگر شر بود، به آنها کیفر شر می‌دهد، مگر آنان که مورد بخشش حق تعالی قرار گیرند». در حدیث شریف آمده است: «زیرک و هوشیار کسی است که نفس خویش را مورد محاسبه قرار داده و برای بعد از مرگش تلاش و کوشش نماید».

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ﴿٥٠﴾

«تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌خواهیم» یعنی: فقط تو را به عبادت واستعانت مخصوص می‌گردانیم، نه غیر از تو را نمی‌پرستیم و نه از غیر تو یاری می‌خواهیم. عبادت: در لغت، به معنای نهایت فروتنی و تذلل است. و در اصطلاح شریعت: عبارت از عملی است که جمع‌کننده هر دو معنای محبت و فروتنی کامل، و خوف و بیم باشد.

به‌کاربردن دو فعل «نعبد» و «نستعین» به صیغه جمع، به قصد نشان دادن تواضع و فروتنی از سوی بندگان است، نه به این معنی که آنان خود را تعظیم کرده و بزرگ داشته‌اند. گویی که بنده به قصور و کوتاهی خویش از ایستادن به تنهایی در پیشگاه خداوند بزرگ اعتراف نموده و می‌گوید: بار خدایا ایستادن به تنهایی در آستان مناجات تو سزاوار شأن من نیست، بدین خاطر، به سایر مؤمنان پیوسته و قطره‌ای از اقیانوس ایشان می‌شوم، پس دعایم را با ایشان بپذیر و مقدم ساختن عبادت بر استعانت، به این سبب است که اولی وسیله‌ای برای درخواست دومی می‌باشد.

ابن عباس رضی الله عنه در تفسیر: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ﴾ می‌گوید: «پروردگارا! فقط تو را به یگانگی می‌خوانیم و فقط از تو می‌ترسیم نه از غیر تو و بر طاعتت و بر کلیه امور خویش، فقط از تو یاری می‌خواهیم». قتاده می‌گوید: «خداوند جل جلاله در این آیه به بندگان دستور می‌دهد تا عبادت را فقط برای او خالص گردانیده و در امور خویش فقط از او یاری بخواهند».

- ۲ - هدایت حواس: که متمم و مکمل هدایت اول است. گفتنی است که انسان و حیوان هر دو در این دو نوع هدایت مشترکند.
- ۳ - هدایت عقل: که برتر از دو هدایت قبلی است.
- ۴ - هدایت دین: که هدایتی خطا ناپذیر است.
- ۵ - هدایت یاری و توفیق الهی: که مخصوص تر از هدایت دینی است.
- و همین نوع اخیر از هدایت است که خداوند متعال در این آیه ما را به خواستن دائمی آن فرمان داده است».

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿۷﴾

«راه کسانی که به آنان نعمت ارزانی داشته‌ای» این نعمت یافتگان گرامی، همان کسانی هستند که در سوره «نساء» از آنان یاد شده است، جایی که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾

«و هر کس از خدا و پیامبر اطاعت کند، در زمره کسانی است که خداوند به ایشان نعمت داده است؛ اعم از پیامبران، صدیقان، شهیدان و صالحان وه! آنهاچه همراهان و دوستان نیکویی هستند. این فضلی است از جانب خدا و خدا دانایی بسنده است» [۶۹/۴].

«نه (راه) کسانی که مورد خشم قرار گرفته‌اند» یعنی: ما را با گروهی قرار نده که از راه مستقیم منحرف شده‌اند، گروهی که از رحمت تو دورند و به سبب آن که با وجود شناخت حق از آن روی برتافته اند، به سخت‌ترین عذاب و شکنجه مبتلامی گردند. این مغضوبان به قول جمهور علما و طبق فرموده رسول خدا ﷺ، یهودیانند.

«و نه» راه «گمراهان». این گروه بر اساس فرموده رسول خدا ﷺ - و به قول جمهور علما - نصاری (مسیحیان) می‌باشند. یعنی از آنجایی که یهودیان حق را شناختند ولی آگاهانه آن را فرو گذاشته و از آن روی برتافتند، سزاوار خشم و غضب الهی گردیدند و از آنجا که نصاری (مسیحیان) نیز از روی جهل و ناآگاهی، از راه حق منحرف شده و

در مورد مقام و منزلت عیسی علیه السلام غلو و زیاده‌روی کردند، در گمراهی آشکاری قرار گرفتند.

«آمین» یعنی: خداوندا! دعایمان را اجابت کن. در حدیث شریف به روایت عایشه رضی الله عنها آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ما حسدتکم الیهود علی شیء ما حسدتکم علی السلام والتأمین».

«یهود بر هیچ چیز دیگر، به اندازه سلام گفتن و آمین گفتن بر شما حسد نورزیده اند.» باید دانست که «آمین» دعا بوده و از کلمات و آیات قرآن نیست. البته آمین گفتن بعد از خواندن سوره فاتحه سنت است، به دلیل این حدیث شریف: «هنگامی که امام آمین می‌گوید، شما نیز آمین بگویید زیرا هر کس آمین گفتنش با آمین گفتن فرشتگان همراه گردد، گناهان گذشته‌اش آمرزیده می‌شود».

نظر احناف و مالکی‌ها این است که: آهسته خواندن آمین از بلند خواندن آن بهتر است. اما شافعی‌ها و حنبلی‌ها برآنند که: آمین در نمازهای سری آهسته و در نمازهای جهری بلند خوانده شود و مقتدی نیز در گفتن آمین با امامش همراهی کند.

علمای اسلام در باره حکم خواندن سوره فاتحه در نماز، بر دو نظرند. نظر احناف این است که مطلق قرائت قرآن در نماز - چه سوره فاتحه و چه غیر آن - به مقدار سه آیه کوتاه یا یک آیه بلند فرض است بنابراین، خواندن سوره فاتحه در نماز فرض نبوده بلکه واجب می‌باشد. رأی دوم: رأی جمهور علما (مالکی‌ها، شافعی‌ها، حنبلی‌ها) است که خواندن سوره فاتحه را در نماز فرض می‌دانند.

﴿سورہ بقرہ﴾

مدنی است، و دارای (۲۸۶) آیه است.

وجه تسمیه آن: این سوره به سبب در برداشتن داستان «بقره»، یعنی گاوی که خداوند متعال بنی اسرائیل را به ذبح آن مأمور گردانید، «بقره» نامیده شد. به قولی: این سوره اولین سوره‌ای است که در مدینه نازل گردید.

فضیلت آن: در باره فضیلت آن احادیث بسیاری روایت شده است. از آن جمله؛ مسلم، ترمذی و احمد از نواس بن سمعان رضی الله عنه روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «يُؤْتَى بِالْقُرْآنِ وَأَهْلُهُ الَّذِينَ كَانُوا يَعْمَلُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا، تَقْدِمُهُمْ سُورَةُ الْبَقَرَةِ وَآلُ عِمْرَانَ: رَوْز قِيَامَتِ، قُرْآنَ وَ أَهْلَ آن كِه دَر دُنْيَا بَهْ آن عَمَل مِی كَرْدَنْد، آوَرْدَه مِی شُونَد، دَر حَالِی كِه دَر پِشَاپِشِ آنْهَا سُورَه بَقَرَه وَ آلِ عِمْرَانَ قَرَار دَارَنْد». همچنین در حدیث شریف دیگری به روایت ابی امامه رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «اقْرَأُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ شَافِعٌ

لأهله يوم القيامة، اقرأوا الزهراوين فإنها يأتیان يوم القيامة كأنهما غمامتان أو غيابتان، أو كأنهما فرقان من طير صواف يحاجان عن أهلها يوم القيامة، ثم قال: اقرءوا البقرة، فإن أخذها بركة وتركها حسرة، ولا تستطيعها البطلة: قرآن را بخوانید زیرا قرآن شفاعت کننده

اهل خویش در روز قیامت است. زهراوین (بقره و آل عمران) را نیز بخوانید زیرا آن دو در روز قیامت می آیند؛ گویی دو پاره ابر سفید و نورانی، یا دو چتر، یا دودسته از پرندگان بال گشاده اند، آن گاه از اهل خود در روز قیامت محاجه (پشتیبانی و دفاع)

می‌کنند و بر آنها سایه می‌افکنند. سپس فرمودند: بقره را بخوانید زیرا خواندن آن برکت و ترک آن حسرت است و ساحران نمی‌توانند بر خواننده آن تسلط و سیطره و نفوذ یابند - یا ساحران نمی‌توانند آن را حفظ کنند». همچنین در حدیث شریف به روایت

ابی هریره رضی الله عنه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «لا تجعلوا بيوتكم قبورا فان البيت الذي تقرأ فيه سورة البقره لا يدخله الشيطان: خانه هایتان را گورستان نگردانید زیرا شیطان به خانه ای که در آن سوره بقره خوانده شود، وارد نمی شود». در حدیث

شریف دیگری از سهل بن سعد رضی اللہ عنہ روایت شده است که رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم فرمودند: «ان لكل شيء سناما، و ان سنام القرآن البقره، و ان من قرأها في بيته ليله لم يدخلها الشيطان

ثلاث لیال: همانا برای هرچیز اوجگاهی است و قطعا اوجگاه و قله قرآن، سوره بقره است، بدانید که هر کس شبانگاه آن را در خانه‌اش تلاوت کند، شیطان سه شب به آن خانه وارد نمی‌شود».

سوره بقره طولانی ترین سوره قرآن کریم است و همانند سایر سوره‌های مدنی به بنای ساختار زندگی منظم مسلمانان در جامعه مدنی و تبیین ابعاد آن توجه و عنایت دارد، جامعه‌ای که در آن دین و دولت با هم بوده و از یک‌دیگر جدانیستند زیرا این دو در نظام اسلامی همچون جسم و روح لازم و ملزوم یک‌دیگر می‌باشند. لذا بنیاد برنامه‌های شریعت اسلامی در مدینه، بر نهادینه ساختن عقیده اسلامی و بر پا داشتن کاخ عمل صالح که ترجمان این ایمان و عقیده است استوار می‌باشد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام الله بسیار بخشنده و بسیار مهربان



خوانده می‌شود: «الف، لام، میم». قرطبی می‌نویسد: «حروف مقطعه‌ای که در اوایل بعضی از سوره‌های قرآن آمده است، سر الهی در قرآن است و جز خداوند متعال کسی دیگر این سر را نمی‌داند. سپس می‌افزاید: اما جمع بسیاری از علما گفته‌اند: ما دوست داریم تا درباره آنها سخن گفته و فوایدی را که در حروف مقطعه نهان است، جویا شویم و از معانی‌ای که می‌توان از آنها دریافت کرد، آگاه گردیم. پس ایشان در این باره به تأویلاتی پرداخته و نظریاتی ارائه کرده‌اند که در اینجا به مشهورترین آن بسنده می‌کنیم و آن این نظر است که: خداوند عزوجل عربها را با این حروف مقطعه به مبارزه با قرآن فرامی‌خواند، بدین معنا که این حروف به حروف هجای زبان عربی اشاره دارد تا به اعراب اعلام کند که قرآن مرکب از همان حروفی است که خودشان با آن سخن می‌گویند، پس اگر مدعی هستند که قرآن کلام خداوند عزوجل نیست، نظیر آن را بیاورند! و چون عجز و ناتوانی آنان در این مبارزه و هم‌آورد طلبی آشکار است بنابراین، حجت بر آنان بلیغ‌تر و رساتر می‌گردد زیرا با وجود آن که قرآن از حروف مورد تکلمشان

خارج نیست، نفس این واقعیت که نمی‌توانند همانند آن را ساخته و برای مبارزه با آن به میدان آورند، خود برهانی روشن بر حقانیت قرآن کریم و الهی بودن آن می‌باشد»

زمخشری می‌گوید: «حروف مقطعه همه جمعا در اول قرآن کریم وارد نگردید تا مبارزه طلبی و هم‌آوردخواهی قرآن بلیغ‌تر و جدی‌تر باشد، همان گونه که هدف از تکرار داستانهای قرآن نیز، تکرار اندرزها و هشدارهای الهی به بندگان است». ابن‌کثیر می‌گوید: «از این رو، هر سوره‌ای که با این حروف آغاز شده است، حتما ذکر برتری قرآن و بیان اعجاز و عظمت آن نیز در آن سوره وجود دارد». گفتنی است؛ حقیقتی که ابن‌کثیر در اینجا به آن پرداخته، با پژوهش استقرائی در بیست‌ونه سوره قرآن روشن شده است، همچون این سوره و سوره‌های: ﴿الْم ۱﴾ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ﴿۲﴾ نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ ﴿۱﴾ [آل عمران: ۱ - ۳]، ﴿الْمَص ۱﴾ كِتَابٌ أَنْزَلَ إِلَيْكَ ﴿۱﴾ [الأعراف: ۱ - ۲]، ﴿الر ۱﴾ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ ﴿۱﴾ [إبراهيم: ۱]، ﴿الْم ۱﴾ نَزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ ﴿۱﴾ [السجدة: ۱ - ۲] ﴿حَم ۱﴾ نَزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۱﴾ [فصلت: ۱ - ۲]، و دیگر سوره‌هایی که با حروف مقطعه آغاز شده‌اند.

ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ﴿۲﴾

«این کتاب» یعنی: این قرآن عظیم «هیچ شبهه‌ای در آن نیست» یعنی: در این حقیقت هیچ شک و شبهه‌ای نیست که این کتاب از جانب خداوند متعال نازل شده است «هدایتی برای متقین است» هدایت: راهنمایی است برای رسیدن به مطلوب. متقین: کسانی هستند که خود را از آنچه که به زیانشان است نگاه داشته‌اند، به همین خاطر به اوامر الهی پایبند گشته و از نواهی و محرمات او پرهیز کرده‌اند. ابن‌عباس رضی الله عنه در تفسیر: (هدی للمتقین) می‌گوید: «متقین کسانی هستند که از مجازات خداوند جل جلاله پرهیز کرده و هدایتی را که می‌شناسند، فرو نمی‌گذارند، و در تصدیق به آنچه که از سوی وی آمده است، به رحمتش امید دارند». در حدیث شریف آمده است: «لَا يَبْلُغُ الْعَبْدُ أَنْ يَكُونَ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَدَعَ مَا لَا بَأْسَ بِهِ حَذَرًا مَّا بِهِ بَأْسٌ: بنده به جایگاه متقیان و پرهیزگاران

نمی‌رسد تا آن‌گاه که آنچه رادر آن مانع و ایرادی نیست، به‌خاطر پرهیز از ارتکاب آنچه که در آن مانع و ایرادی هست، ترک نکند». از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که مردی به وی گفت: «تقوی چیست؟ ابوهریره رضی الله عنه از وی پرسید: آیا تاکنون با مسیر پر از خاری مواجه شده‌ای؟ آن مرد گفت: آری! ابوهریره رضی الله عنه فرمود: در آن هنگام چه کرده‌ای؟ مرد گفت: چون خار را دیدم، از آن برجسته، یا از رفتن به آن راه‌منصرف گشته‌ام. ابوهریره رضی الله عنه فرمود: تقوی یعنی همین!»

شکی نیست که تقوی کانون تمام خوبی‌ها، سفارش الهی به گذشتگان و آیندگان و بهترین صفتی است که انسان مؤمن می‌تواند به آن آراسته گردد. چنان‌که ابودرداء رضی الله عنه نیز چنین گفته است.

آن‌گاه خداوند متعال چهار صفت را برای متقین ذکر می‌کند، نخستین صفت این است:

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ﴿۲﴾

«آنان که به غیب ایمان می‌آورند» ایمان: در لغت، تصدیق و باور محض است، ولی آن‌گاه که به طور مطلق به کار برده شود؛ مراد از آن همان ایمانی است که شامل هر سه اصل اعتقاد، قول و عمل باشد. که بیشتر ائمه براین نظرند. احمدبن حنبل و شافعی گفته اند: «اجماع بر آن است که ایمان عبارت از: قول و عمل هر دو می‌باشد». گفتنی است که ایمان به آنچه خدای عزوجل نازل فرموده، تجزیه پذیر نمی‌باشد. اما «غیب»: هرآن چیزی است که عقلها به آن راه نمی‌یابد و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از وجود آن خبر داده‌اند، مانند نشانه‌های قیامت، عذاب قبر، نشر و حشر، صراط، میزان، بهشت و دوزخ. در حدیث شریف آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «الإيمان أن تؤمن بالله وملائكته وكتبه ورسله واليوم الآخر، وتؤمن بالقدر خيره وشره: ایمان آن است که خدا، فرشتگان، کتابها، پیامبران و روز آخرت را باور کنی و همچنین قدر را در خیر و شر آن تصدیق‌نمایی». همچنین در حدیث شریف آمده است که ابوعبیده جراح رضی الله عنه گفت: یا رسول‌الله! آیا کسی از ما اصحاب بهتر هم هست؛ با توجه به این که ما به شما ایمان